

نظریه گناه نخستین در

مسیحیت

مژگان سخایی - عضو هیأت علمی

بخشودنی و نابخشودنی تقسیم می‌شود. با ارتکاب گناه نابخشودنی مانند قتل، بت‌پرستی و زنا، شخص به دلیل خدا انگاشتن خود و نادیده انگاشتن عظمت الهی از جامعه مسیحی خارج می‌شود.

کاتولیکهای رومی بین این دو گناه فرق قائل شدند؛ اما مصلحان این فرق را نادیده انگاشتند. پروتستانیزم جدید این سنتها را کنار نهاد و گناه را از دید علوم اجتماعی و طبیعی تعریف کرد.^{۱۱}

کلام مسیحیت، گناه را ناشی از سوءاستفاده انسان از آزادی می‌داند. این بیان نیازمند پاسخ به این سؤال است که انسان چگونه از آزادی اش سوءاستفاده می‌کند؟ جواب این سؤال در نظریه گناه

کلیدواژه‌ها:

گناه نخستین، هبوط آدم، نجات، غسل تعمید، شرایط محکومیت، عدالت اولیه

جایگاه گناه در زندگی انسان دل‌مشغولی متفکران مذهبی و متکلمان مسیحی در طی قرون متمادی بوده است. از نظر ایشان گناه با جرم فرق دارد. جرم، نادیده انگاشتن قوانین مدنی است و گناه، عمل یا فکری است که منجر به انکار خدا و یا بی‌حرمتی به او شود. بنابراین مفهوم گناه تنها در نصوص مذهبی یا معناست. تاریخ ادیان نشان می‌دهد که گناه همیشه اهانت به قداست الهی تلقی می‌شده است. پولس در تعریف گناه چنین نوشت: «هر آنچه از ایمان بر نیاید، گناه است.» این تعبیر، الهام بخش افرادی مانند آگوستین^۴، لوتر^۵، کیرکگارد^۶ در تفسیر مجدد و مهم ایشان از مسیحیت بود. در کلام مسیحیت از گناه به غرور^۷ و شهوت^۸ تعبیر شده است. در غرور، انسان الوهیت خدا را نادیده می‌انگارد، داعیه خدایی می‌کند و خود را کامل و بی‌نیاز می‌داند. شهوت نیز همان خودپرستی^۹ است. گناه به دو نوع

چکیده:

یکی از اصول اعتقادی مسیحیت، گناه نخستین (گناه موروثی یا ذاتی) است. این مسأله که از مسائل بغرنج کلام مسیحی است در کنار مسائل عمده‌ای مانند عیسی مسیح، ایمان، نجات، رنج و... قابل تفسیر است. در مسیحیت، انسان موجودی گنهکار و نیازمند نجات است و عیسی مسیح با رنج بردن خود، او را نجات می‌دهد. در این مقاله سعی شده است با روش مروری - تحلیلی این مسأله بررسی شود. گناه آدم چیست؟ آیا گناه او به نسل پس از او منتقل گشته است؟ چگونه این اتفاق رخ داده است؟ چگونه اراده انسان قبل از به وجود آمدن او عمل کرده است؟ آیا علم امروز این مسأله را می‌پذیرد؟ ریشه این عقیده کجاست؟ آیا کتاب مقدس بر این عقیده صحه می‌نهد؟ نظر متکلمان و فیلسوفان مسیحی در این باره چیست؟ سؤالاتی است که مقاله حاضر به آنها می‌پردازد.

4) Augustine

5) Luther

6) Kierkegard

7) Superbia

8) concupiscentia

9) An Encyclopedia of Religion, Ferm, Virgilius,(ed.) p. 711

10) Ferm, op. cit, p.711

زمان خود واقع شده است. ولی هنگامی که نوشته‌های آباء کلیسای اولیه را می‌بینیم، درمی‌یابیم که اساس و پایه نظریه‌شان در مورد گناه نخستین تعالیم پولس و نیز ادبیات یهودی نبود؛ بلکه ایشان نظریه گناه را به صورت جدیدی بیان کردند. از پیشگامان اصلی این نظریه، قبل از آگوستین می‌توان به ایرنائوس^۷، اریگسن^۸ و تروتلیان^۹ اشاره کرد.

نظریه پولس و آباء کلیسا درباره گناه نخستین
پولس تنها در یکی از نامه‌هایش - نامه به رومیان^۴ - در مورد گناه ابناء بشر و ارتباط آن با گناه آدم سخن می‌گوید؛ اما برای تبیین این ارتباط تلاشی نکرده است. جملات پولس، در این باره بسیار مبهم است و قابلیت توجیه این نظریه را ندارد؛ به همین دلیل نیز کلیسا توانست نظریات خود را پراحتی با جملات پولس^۵ منطبق کند. پولس می‌گوید: «گناه به واسطه

ازلی داده می‌شود. بیان مسأله چنین است: گناهی که منجر به هبوط آدم و رانده شدن او از بهشت شد، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ بطوری که تمام فرزندان آدم را واجد طبیعتی گمراه و فاسد می‌کند.

مقدمات نظریه گناه نخستین در عهد

عتیق

در الهیات مسیحی گناه ازلی به دنبال هبوط^۱ آدم تعریف شده است. نظریه گناه ازلی از زمان پولس مورد توجه بوده است

و در سفر تکوین، فصل سوم مطرح شده است و ریشه در الهیات عهد عتیق دارد. البته سفر تکوین درباره اینکه گناه آدم به اعقاب و ذریه‌اش منتقل شده و ایشان را از موهبت‌های الهی محروم کرده باشد، سخنی نمی‌گوید؛ بلکه تنها از خروج آدم از بهشت و نزدیک شدن او به درخت زندگی و سزاواری وی برای آسیب‌های جسمانی سخن می‌گوید^۲. بطور کلی در عهد عتیق هیچ بیان روشن و صریحی

کلام مسیحیت، گناه را ناشی از سوءاستفاده انسان از آزادی می‌داند. این بیان نیازمند پاسخ به این سؤال است که انسان چگونه از آزادی‌اش سوءاستفاده می‌کند؟ جواب این سؤال در نظریه گناه ازلی داده می‌شود. بیان مسأله چنین است: گناهی که منجر به هبوط آدم و رانده شدن او از بهشت شد، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ بطوری که تمام فرزندان آدم را واجد طبیعتی گمراه و فاسد می‌کند.

انسان و مرگ بواسطه گناه وارد جهان می‌شود، پس مرگ بر همه انسانها وارد می‌شود؛ چون همه گنهکارند.^۶ پولس در تعالیمش درباره گناه ازلی، قطعاً تحت تأثیر برخی نظریات یهودی

درباره انتقال گناه از اولین انسان به نوع بشر نیامده است. با وجود این، عهد عتیق عقایدی را که بعدها در شکل‌گیری گناه ازلی مؤثر بودند، تصدیق می‌کند.^۳

- 1) Fall
- 2) New catholic Encyclopedia, vol X, p.776
- 3) The Encyclopedia of Religion and Ethics, vol.9, James, Hastings(ed.) , p.558

(۴) فصل ۵، ۱۲-۲۱

(۵) نمونه‌ای از نظریات پولس در مورد گناه:

- گناه نیرویی است شیطانی که به جهان وارد شد. (نامه به رومیان، فصل ۵، ۱۲)

- هیچ کس از گناه فرار نکرده و نخواهد کرد. انسان برده گناه است (نامه به رومیان، فصل ۴، ۷ و فصل ۶، ۱۷)

- انسان به واسطه سرپیچی آدم گنهکار شد و به واسطه تبعیت آدم ثانی یعنی عیسی مسیح، از گناه پاک می‌شود و جلال خدا را درک می‌کند. (نامه به رومیان، فصل ۵، ۱۲-۲۱)

- 6) Hastings, op.cit, p.p. 559-560
- 7) Irenaeus
- 8) Origen
- 9) Tertullian

آگوستین^۱ استدلال می‌کرد که چون همه ما فرزندان آدمیم در گناه او نیز شریکیم و در حقیقت ذریهٔ گناه اویم. «گناه نخستین، آلودگی به شهوت بود که هنوز هم همهٔ اعمال نسل آدم را آلوده می‌کند؛ دقیقاً به خاطر همین پیوستگی میان رابطه جنسی و بقای نسل است که انسان به «توده‌ای از خسران» مبدل شده است. بسیاری از ما نفرین شده خواهیم بود و تنها برخی از ما نجات خواهیم یافت؛ اما فقط به واسطهٔ فیض و رنجهای «پسر خدا» و شفاعت «مادر» که او را با قداست آستن شد. یک زن ما را به تباهی کشاند؛ اما زن دیگر رستگاری را برای ما خرید.^۲ وی می‌گفت تجسد خدا^۳ و لطف او بود که برگناه غلبه کرد و نجات^۴ را آورد.^۵ تواناترین مخالف قدیس آگوستین، پلاگیوس^۶ بود که با قدرت به دفاع از اختیار و نیروی نجات بخش اعمال خیر پرداخت. پلاگیوس می‌گفت خداوند در واقع با اعطای شریعت و احکام، دستورهای قدیسان، آب پاک کنندهٔ تعمید و خون رستگار کنندهٔ مسیح خویش، ما را یاری می‌کند و هرگز با شر ساختن طینت انسان، ترازو را به زیان رستگاری ما سنگین نمی‌کند. گناه نخستین و سقوطی در کار نیست؛ فقط گناهکار مجازات می‌گردد و هیچ گناهی به اعقاب آدمی منتقل نمی‌شود. خداوند بهشت و دوزخ را از پیش برای انسان مقدر نمی‌سازد و هرگز به میل خود معین نمی‌کند که چه کس مشمول رحمت او شود، یا به لعنت گرفتار آید، بلکه انتخاب سرنوشت ما را به خودمان وا می‌گذارد. پلاگیوس می‌گفت

نظریهٔ گناه ذاتی انسان، در واقع تقصیر گناهان بشر را بزدلانه به گردن خدا می‌اندازد.^۷

مناظره با پلاگیوس، آگوستین را مجبور ساخت تا مطالعات کامل و منسجمی از گناه ارائه کند که هنوز هم مورد قبول کلیساست. وی در مناظرات خود، نظریاتش را - که در واقع، نظر غالب پدران کلیسای شرق و غرب از زمان ایرناتئوس بسود - اصلاح کرد. وی همبستگی نوعیه با آدم^۸ را گاهی بر حسب نظریهٔ اریگن یعنی وجود قبلی^۹ در اجداد اولیه و گاه بر حسب تصور واقع‌گرایانه^{۱۰} از شخصیت آدم که با فرزندانش در آن شریک بود، بیان کرده است. او می‌گفت: گناه ما به دلیل اتحاد و پیوستگی ذات ما با آدم است و این اقتضا می‌کند که اراده و در نتیجه شخصیت و فردیت ما نیز با آدم یکی باشد. آگوستین در نظریهٔ گناه ازلی در مورد آدم دچار تناقض بود. او می‌گفت حتی کودکانی که غسل تعمید داده نشده‌اند، ممکن است مشمول نفرین شوند. ویژگی خاص نظریهٔ گناه ازلی آگوستین، اغراق وی در مورد تأثیرات هبوط آدم در ذات انسان است. وی چنین تعلیم می‌داد که فساد و تباهی آدم کامل بوده و انسان هبوط یافته، حتی در ارادهٔ خیر ناتوان است. وی در رابطه با همین مسأله، آموزهٔ لطف و در نهایت نظریهٔ

روحانی او را سیراب سازد. چندی نیز فریفته مبادی فلسفهٔ نوافلاطونی گشت و در نتیجه تحولی اساسی در افکار او روی داد. آگوستین بعد از توبه و قبول مسیحیت، زندگی خود را وقف این موضوع ساخت که مسائل روز را از دید مسیحی مورد مطالعه قرار دهد. غالباً گفته شده است که کاتولیکها و پروتستانها اصول عقاید خود را از آگوستین کسب کرده‌اند. می‌توان گفت آگوستین در شکل دادن الهیات قرون وسطی بیش از هر متکلم دیگری مؤثر بوده است.

(فلسفه و ایمان مسیحی: کالین براون، ص ۳؛ ماجراهای جاودان در فلسفه، هنری توماس و توماس دانالی، ص ۱۲۷)

(۲) تاریخ تمدن (عصر ایمان، بخش اول)، ویل دورانت، ص ۸۷

3) God's incarnation

4) Salvation

5) Smart, Ninian, the world's Religions, p.258 & cf. Saint, Augustine, Confessions, tr. Henry Chadwick, USA, 1991

6) Pelagius

راهب مسیحی متولد ۴۱۸ میلادی که در اواسط قرن چهارم میلادی در انگلستان متولد شد. از گذشته او چیز زیادی نمی‌دانیم. اما به نظر می‌رسد تحصیلات عالی داشته است.

The Encyclopedia of Religion, Mircea Eliade(ed.)

(۷) تاریخ تمدن (عصر ایمان، بخش اول)،

ص ۸۴-۸۶

8) Solidarity of the race with Adam

9) Seminal existence

10) realistic notion

(۱) آگوستین (۳۵۴-۴۳۰م) بزرگترین شخصیتی است که در کلیسای قدیم کاتولیک به ظهور رسید. وی ابتدا به دین مانی درآمد؛ ولی طبق اعترافات مشهورش مانی نتوانست عطش

را در هبوط از او گرفته باشد؛ چرا که این موهبتها برای درستکار بودن ضروری است و قبول عقیده مورد بحث به عدل الهی لطمه می‌زند. او همچنین آموزه هبوط را که بیانگر فساد ذاتی بود، رد کرد. نمونه جالب و شگفت‌آوری در کتاب ژولیوس مولر^{۱۳}، ارائه شده است که جامعتر و توانمندتر از کتب الهیاتی است

نظریه گناه نخستین از قرن شانزدهم تا نوزدهم
مسئله اصلی در بحث کلامی «گناه ذاتی» این است که از زمان تنظیم دقیق نظریه در قرن شانزدهم، هرچند وقت یکبار، به مفاد آن اعتراض می‌شود. برای مثال، در قرن هفدهم جرمی تیلور^{۱۱} در نوشته‌ای تحت عنوان «دکترین و عمل

سرنوشت و تقدیر^۱ را بیان کرد.^۲
نظریه گناه نخستین در قرون وسطی
آکویناس^۳ در همه موارد دنباله رو آگوستین نبود؛ مثلاً وی منکر شد که در هبوط، خوبی ذاتی^۴ از بین رفته و اراده لطمه خورده باشد و شهوت، ذات و ماهیت گناه باشد. آنسلم^۵ گناه ذاتی در کودک را انکار نمی‌کرد اما با این عقیده که گناه ازلی جداً گناه باشد (یعنی گناه

فردی باشد) مخالف بود. ابلارد^۶ را می‌توان برجسته‌ترین فردی دانست که با نظریاتش از روش شایع نظریه قرون وسطی فاصله گرفت. ابلارد می‌گفت: نزاع بین حس^۷ و عقل^۸ ویژگی انسان است که از جانب خدا به وی اعطا شده است. اگر بگوییم همه به همراه آدم مرتکب گناه شده‌ایم، گناه را به معنا درستش به کار نبرده‌ایم. نظریه مدرسی^۹ (اسکولاستیک) گناه نخستین، بیشتر بر اساس آنچه از آکویناس رسیده بود، شکل گرفت؛ و در شورای ترنت^{۱۰} آموزه رسمی کلیسا شد؛ بنابر

پولس تنها در یکی از نامه‌هایش - نامه به رومیان - در مورد گناه ابناء بشر و ارتباط آن با گناه آدم سخن می‌گوید؛ اما برای تبیین این ارتباط تلاشی نکرده است. جملات پولس، در این باره بسیار مبهم است و قابلیت توجیه این نظریه را ندارد؛ به همین دلیل نیز کلیسا توانست نظریات خود را براحتی با جملات پولس منطبق کند.

توبه^{۱۲} «شدیداً به شکل افراطی نظریه گناه ذاتی اعتراض کرد و گفت: گناه آدم ما را وارث لعنت نساخت و ذاتاً و اساساً، بد و شریر نکرد. او نپذیرفت که کودکان، بدون غسل تعمید، مورد رحمت خدا نبوده و ملعون باشند؛ چرا که این امر خلاف رحمت خداست. همچنین نپذیرفت که خدا بخاطر تنبیه آدم، موهبتها

حکم شورای ترنت، هبوط باعث فقدان عصمت ذاتی، فساد و آلودگی بدن و روح گشته و ما را اسیر کرده و مورد خشم خدا قرار داده است. دیگر اینکه گناه نخستین از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و تقلیدی نیست. محکومیت گناه، به واسطه غسل تعمید از بین می‌رود و شهوت پس از غسل باقی می‌ماند.

1) predestination

2) Tennant, F.R., "Original Sin" in: The Encyclopedia of Religion a Ethics, James, Hastings, (ed.), vol.9, pp.560-562

3) Aquinas

4) original righteousness

5) Anselm

6) Abilard

7) sense

8) reason

9) Scholastic

10) Trent

11) Jermy taylor

جرمی تیلور (۱۶۱۳-۱۶۷۰) اسقف کلیسای

انگلستان، متکلم و معلم اخلاق

Geoffrey, parrinder , Aconcise Encyclopedia of Christianity , p.231

12) Unum Necessarium, or the Doctrine and Practice of Repentance .

13) Julius , Muler, the christian Doctrine of sin, 2 vols. , tr. W.urwick, Edinburgh, 1877-85

که قبلاً راجع به گناه نخستین نوشته شده بود.

مولر نظر آگوستین و کلیسا را برای حل تناقض مهمی که کانت بر آن تأکید کرده بود (تناقض بین مسؤولیت فردی گناه و این حقیقت که گناه، ذاتی و قبل از کار گناه آلود باشد) کافی ندانست. بنابراین او نظریه‌ای بین نظریه کانت مبنی بر بی‌زمان بودن مبدأ گناه و نظریه اریگن مبنی بر پیش از تولد بودن آن، ارائه کرد. کانت و مولر در مسیر واحدی حرکت کردند که حاکی از غیر ممکن بودن راه حل بنا بر فرضیات ایشان بود. لذا همه این متفکران بصورت صریح یا ضمنی مشکل را به ورطه راز و رمز سوق دادند.

معضل گناه نخستین در فلسفه

فیلسوفان مسیحی برای حل مسأله گناه ذاتی نظریات گوناگونی داده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

اسپینوزا^۱ بنا بر مکتب «همه خدایی»^۲ اش شر را معدوم می‌دانست. برای او درک شر غیر ممکن بود و پرسش از مسأله ریشه گناه غیر ضروری می‌نمود. لایبنس^۳ مانند اسپینوزا واقعیت شر را انکار نکرد. در مکتب فلسفی وی براهتی می‌توان جایگاه نظریه گناه نخستین را یافت. او نظریه گناه نخستین را از توتولیان گرفت و گفت تمام روحها بطور کلی در آدم وجود داشته‌اند.

کانت^۴، جدی‌ترین برخوردار فلسفی را با نظریه گناه نخستین داشت. او آگوستین را رد کرد و نظریه بدی جزمی^۵ را شکل داد.^۶ کانت به یافتن مفاهیم مطابق با

فلسفه خودش برای اصول مسیحی بسیار تمایل دارد؛ او گناه اولیه را انکار نمی‌کند و آن را بر خلاف پندار کسانی که انسان را طبیعتاً کامل می‌دانند، تصدیق می‌کند. اما به جای مفهوم هبوط تاریخی آدم و گناه موروثی، برای انسان قائل به استعداد ذاتی است که طبق آن، بخاطر حب نفس، بدون رعایت قوانین اخلاقی عمومی عمل می‌کند. او این استعداد را امری واقعی و تجربی، و تبیین نهایی آن را غیر ممکن می‌داند، کانت اصل مزبور را تصدیق می‌کند؛ به این معنی که لفظاً آن را می‌پذیرد، ولی عقلاً چنان تعبیر می‌کند که از یک طرف اصل افراطی مذهب پروتستان دایر بر فساد کامل طبیعت انسان را انکار می‌کند و از طرف دیگر عقاید مبتنی بر خوش بینی معتقدان به کمال طبیعت انسان را رد می‌کند. این تمایل به حفظ اصول جزمی مسیحی و تفسیر عقلانی آنها در هگل بارزتر است.^۷ تحقیقات کانت درباره گناه به این اعتراف منجر شد که گناه اولیه رازی سرپوشیده و مرموز است.^۸

نظریه گناه نخستین در مسیحیت معاصر

تا همین اواخر، نظریه گناه نخستین از نظر علمی، در کلیسا سؤال‌ناپذیر بود؛ زیرا

1) Spinoza

باروخ بن‌دیکت اسپینوزا (Benedict) Spinoza (۱۶۳۲-۱۶۷۷)

در آمستردام هلند در خانواده‌ای یهودی متولد شد. او به عنوان یک یهودی تربیت شد، اما افکار آزادی باعث اخراجش از کنیسه یهودیان گردید.

از آثار وی می‌توان فهمید که از نقادان اولیه کتاب مقدس است. وی در واقع دارای مکتب همه خدایی بود؛ اما همه خدایی با عرفان او جنبه ادبی و شاعرانه نداشت. اسپینوزا عارفی عقلگرا بود که اساس عقاید خود را بر اصول دکارتی قرار داده بود (فلسفه و ایمان مسیحی، ص ۴۸-۴۹)

2) Pantheistic system

3) Leibniz

فیلسوف شهیر پروتستان (۱۶۴۶-۱۷۱۶) بنا بر نظر وی کائنات از تعداد بیشماري مونااد (monad) یا بسیط جوهرها (Simple substances) تشکیل شده که دارای اجزاء نیستند و هیچ روزنه‌ای ندارند که چیزی به آنها داخل و یا از آنها خارج شود. این مونادها غیر قابل تقسیم (indivisible) و دائماً فعال هستند. هر مونااد، مظهري از کل وجود است. مونادها دارای سلسله مراتب صعودی هستند و از پست‌ترین مراحل که تقریباً هیچ است، شروع می‌کنند و به عالیترین مرحله، یعنی خدا می‌رسند. لایبنس جهانی را مجسم می‌کند که در آن همه چیز با مکانیزم کامل جریان می‌یابد و گناهان طبق نظام طبیعی و بر اساس ساختمان طبیعت، مجازات خود را همراه دارند. همچنین اعمال نیکو پاداش خود را از طریق مکانیزمی که به بدن مربوط می‌شود، دریافت می‌دارند. (فلسفه و ایمان مسیحی، ص ۵۱-۵۲)

4) Kant

5) radical badness

6) An Encyclopedia of Religion and Ethics. James. Hasting (ed.), vol.9, pp. 564-565

(۷) کانت، فردریک کاپلستون، ص ۳۴۸

8) The Encyclopedia of Religion and Ethics, vol.9, pp.564- 565

دولوگو^۸ بتفصیل بیان کرده است؛ لذا نظریه مزبور غالباً با نام او همراه است. تئوری تفوق اخلاقی آدم^۹ متضمن این مشکل است که چگونه اراده هر انسانی حتی به وسیله خدا می تواند همزمان با آدم باشد؛ لذا برخی از کاتولیکها نظریه های دیگری را به جای این نظر بیان کردند. کلیسا هنوز هم بر این مسأله باقی است که انسان از نظر تاریخی، بدون مسیح از داشتن زندگی کاملی که شایسته اش باشد، محروم است.

خداگونه بودن در ذات انسان، حداقل بنا بر پیشنهادی الهی بوده است؛ اما احتمالاً در اولین لحظه ای که انسان وجود یافت از دست رفت. اما در نجات دوباره توسط مسیح به تمام انسانها پیشنهاد می شود.^{۱۰}

نمودار زیر بر روی خط زمان^{۱۱} حالت های مختلفی را نشان می دهد که تاریخ اخلاق مذهبی بشر را در ارتباط با خدا شکل می دهد. از نظر کاتولیکها در

رخ دهد؛ بنابراین علوم جدید حقایقی را بازگو می کنند که خطاهای متعدد نظریه گناه اولیه را نشان می دهد.^۶

در صورتی که کلام مسیحیت قائم بر این باشد که گناه همیشه اختیاری و عمدی است و این مسأله اساس کلام و اخلاق مسیحیت باشد، ذاتی بودن گناه بوضوح رد می شود. متکلمان کاتولیک کوشیده اند تا توضیح دهند که چگونه

معتقد بودند که گناه نخستین با تمایل عمومی انسان به سوی گناه واقعی خلط شده است. البته در همان زمان شواهد اندکی دال بر نارضایتی از نظریه گناه نخستین دیده می شد. این نارضایتی هنگامی شدت یافت که انسانها محکوم شناخته شدند؛ درحالی که خود مسؤول این محکومیت نبودند. در حال حاضر، پایه های مختلفی که فرض می شود این نظریه بر آنها بنا شده، بارها مورد

سؤال قرار گرفته است. به نظر می رسد که نظریه مورد بحث بجز آنچه که پولس بیان کرده بود، پایه ای در کتاب مقدس ندارد. روشن است که پولس این مفهوم از آدم و هبوط را از ادبیات لیبرالی یهود^۱ گرفته است و نظریه مقام انسان قبل از هبوط^۲ هم - که فرضیه لازم نظریه گناه اولیه است که در هبوط رخ می دهد- در کتاب

آگوستین در نظریه گناه ازلی در مورد آدم عليه السلام دچار تناقض بود. او می گفت حتی کودکانی که غسل تعمید داده نشده اند، ممکن است مشمول نفرین شوند.

شرایط محکومیت^۷ می تواند از نظر تاریخی، مقدم بر انتخاب انسان باشد. برخی از این نظریات مبتنی بر این است که آدم یک نوع اخلاقی است که تفوق حقوقی بر نوع بشر دارد و نتیجه رفتار او بر همه اثر می گذارد. در واقع او پیشنهاد دوستی خدا را رد کرد و میراث دشمنی با خدا را به اعقابش منتقل کرد. از این رو، می توان گفت همه انسانها در او و از طریق او عمل کرده اند؛ چرا که او جد آنهاست. آدم نه به واسطه آنها بلکه به واسطه خالق ایشان و به واسطه لطف او به این کار مأمور شد. این نظر را کاردینال جان

مقدس نیامده است. این مسأله تا حدی مربوط به تمایلات هگاده نویسان یهودی و قسمتی هم مربوط به تفاسیر متعدد آباء کلیسا می شود.

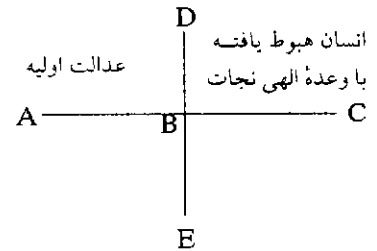
طبق علم انسان شناسی تکاملی^۳، هبوط عمومی غیر ممکن است. بنا بر علم روان شناسی و زیست شناسی نیز قبول اینکه گناه از طریق توارث فیزیکی منتشر شده، بسیار دشوار است. این علوم که تحت تأثیر نظریه تکامل^۴ می باشند، توضیح می دهند که وجود میل و انگیزه، اراده انسان را به سوی گناه سوق می دهد؛ پس ضرورتی ندارد که هبوط دهشتناک^۵

- 1) Free Jewish speculation
- 2) Unfallen state of man
- 3) evolutionary anthropological
- 4) theory of evolution
- 5) Catastrophical Fall
- 6) loc. cit.
- 7) guilty condition
- 8) Cardinal Juan de lugo
- 9) Adam's moral headship
- 10) New catholic Encyclopedia , vol X, p.p. 776-781
- 11) time line

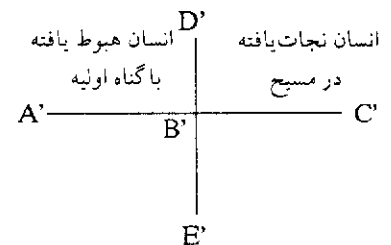
همانطور که ملاحظه شد گناه نخستین از معضلات کلام مسیحی است که از دیر باز تاکنون مورد بحث متکلمان مسیحی بوده و همچنان در پاسخگویی به سؤالات و انتقادات منتقدان کار آمد نیست.

در نمودار (ب) پاره خط 'A'B' موقعیت اخلاقی و مذهبی اولیه انسان را در زمانی که پا به دنیا گذاشت، نشان می‌دهد که از آن به گناه اولیه تعبیر می‌شود و در فکر و اراده انسان اثر می‌گذارد؛ در حالی که خود انسان شخصاً موجب آن نبوده است. غسل تعمید کودک - همراه با تکرار آن در بزرگسالی - منجر به نجات می‌شود.^۲ پولس می‌گوید: همانگونه که گسناه و مرگ توسط آدم وارد دنیا شد، فیض و زندگی جاوید در مقیاسی وسیعتر از طریق مسیح وارد دنیا می‌شود.^۳

ابتدا بی‌گناهی یا عدالت اولیه^۱ قرار دارد.



در نمودار (الف) خط الهی DBE خط گناه اولیه است. ممکن است AB را همزمان با اولین لحظه حیات آگاهانه بشر بدانیم. راه دیگر برای نمایش این پدیده، زندگی مسیح بر روی زمین است که با پاره خط BC نشان داده شده است.



منابع:

- تاریخ تمدن (عصر ایمان، بخش اول): ویل دورانت، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، بی تا.
- فلسفه و ایمان مسیحی: کالین براون، ترجمه طایفه دست میکائیلیان، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵
- کانت: فردریک کاپلستون، ترجمه منوچهر بزرگمهر، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف
- ماجراهای جاودان در فلسفه: هنری توماس و توماس وانالی، ترجمه احمد شهسا، انتشارات ققنوس؛ ۱۳۷۵
- *The Encycloredia of Religion*: Mircea, Eliade(ed.), USA, 1987
- "Original Sin": Tennant, F.e: in, *The Encyclopedia of Religion and Ethics*, James, Hastings (ed.) , Edinburgh, 1980
- *New Catholic Encyclopedia*: ed. in chief , william, J. Me Donald, the catholic university of America- Sanfrancisco- toronto - London- New York, 1967
- *The New Encylopeia Britannica*: Micropaedia, chicago, 1994
- *The world's Religions*: Smart, Ninian, Cambridge university press, 1992
- *An Encyclopedia of Religion*: Virgilious, Ferm. (ed.). NewYork.
- *Confessions*: Saint Augustine, Henry chadwicle(tr.), USA , 1991
- *The New Encyclopeda Britannica*: Micropedia, chicago, 1994
- *A concise Encyclopeda of christianity* : Geoffrey, Parrinder (ed.), England, 1998